در مسیر توسعه تحقق دولت الکترونیک صورت می‌گیرد

حذف اسناد کاغذی خسارات خودرو از اول آذر

حمید بهزادی‌بخش، کارشناس صنعت بیمه در گفت‌وگو با «جوان»: الکترونیکی‌شدن کامل فرآیندهای بیمه‌ای، زمینه‌افزایش شفافیت و نظارت‌پذیری در عملکرد شرکت‌های بیمه را فراهم می‌کند

گزارش
زینب زرین



یکی از محورهای اصلی تحقق دولت الکترونیک در صنعت بیمه کشور، تمرکز بر غیرحضوری کردن فرآیند پرداخت و بررسی خسارات در بخش بیمه درمان تکمیلی و همچنین بیمه شخص ثالث و بدنه خودروست؛ در همین راستا از ابتدای آذرماه فرآیند حذف اسناد کاغذی از فرآیند پرداخت و بررسی خسارت در بخش مرتبط با خسارات خودرو کلید خورد و از اول آذر، اسناد کاغذی در رشته‌های بیمه شخص ثالث و بدنه اتومبیل به‌طور کامل حذف و صنعت بیمه کشور وارد مرحله جدیدی از تحول دیجیتال شد. بر اساس این تصمیم، تمامی مراحل رسیدگی به پرونده‌های خسارت، از لحظه وقوع حادثه تا تسویه نهایی، در بستر الکترونیکی انجام خواهد شد و بیمه‌گذاران دیگر نیازی به تهیه، چاپ و ارائه مدارک کاغذی ندارند و همه مراحل از طریق سامانه‌های برخط پیگیری می‌شود.

حذف اسناد کاغذی خسارات خودرو مرتبط با بیمه شخص ثالث و بدنه اتومبیل اقدامی مؤثر در مسیر تحول دیجیتال صنعت بیمه است که با محوریت قرار دادن رضایت مردم، به دنبال پایان‌دادن به بروکراسی‌های غیرضروری و ارائه خدمات سریع‌تر، آسان‌تر و شفاف‌تر است. در این رویکرد جدید، فرایند ارزیابی و پرداخت خسارت با مدیریت یکپارچه پرونده‌ها انجام می‌شود. یکپارچگی اطلاعات و حذف مراحل واسطه‌ای و موازی باعث می‌شود پرونده‌ها با سرعت و دقت بیشتری بررسی شوند. نتیجه این تغییر، کاهش چشمگیر زمان پرداخت خسارت و رسیدن آن به حداقل ممکن است؛ موضوعی که همواره یکی از مهم‌ترین مطالبات بیمه‌گذاران بوده است.

این اقدام کلیدی مزایای متعددی برای مردم به همراه دارد. کاهش مراجعات حضوری به شعب و مراکز رسیدگی، کاهش هزینه‌های رفت‌وآمد و تهیه مدارک و تسهیل دریافت خسارت از مهم‌ترین آنهاست. همچنین دسترسی شبانه‌روزی به خدمات، امکان ثبت و پیگیری پرونده را در هر زمان و مکان فراهم می‌کند و در وقت بیمه‌گذاران صرفه‌جویی قابل توجهی خواهد شد.

از سوی دیگر، این تحول پایانی بر کاغذبازی در صنعت بیمه است و شفافیت و نظارت‌پذیری فرایندها را به‌طور محسوسی افزایش می‌دهد. ثبت الکترونیکی تمام مراحل رسیدگی، امکان پایش دقیق عملکرد شرکت‌های بیمه و پیگیری وضعیت پرونده از سوی بیمه‌گذاران را فراهم می‌کند. به این ترتیب، علاوه بر افزایش رضایت مردم، اعتماد عمومی به صنعت بیمه نیز تقویت خواهد شد. در همین رابطه از اول آذرماه تمامی شرکت‌های بیمه موظف شده‌اند دریافت اسناد و مدارک فیزیکی برای رسیدگی به خسارات خودرو را حذف کنند و جهت کاهش بروکراسی اداری، افزایش سرعت خدمات‌رسانی و تسهیل دسترسی مردم به خدمات بیمه‌ای محسوب می‌شود.

وی در ادامه افزود: بر اساس این رویکرد، شرکت‌های بیمه موظف هستند با راه‌اندازی سامانه‌های مشخص، امکان انجام تمام مراحل دریافت خسارت، از اعلام حادثه و تشکیل پرونده تا پیگیری و پرداخت خسارت را به‌صورت کاملاً غیرحضوری و برخط برای بیمه‌گذاران و زیان‌دیدگان فراهم کنند. به این ترتیب، دیگر نیازی به جابه‌جایی اسناد فیزیکی و مراجعات مکرر به شعب بیمه نخواهد بود و تمامی فرآیندهای مرتبط با ارزیابی و پرداخت خسارت در بستر الکترونیکی انجام می‌شود.

بهزادی‌بخش در رابطه با اهمیت این اقدام در صرفه‌جویی برای زمان و هزینه‌های مردم خاطرنشان کرد: یکی از مهم‌ترین مزیت‌های این اقدام، کاهش هزینه‌ها و صرفه‌جویی در زمان مردم است. در شرایطی که زیان‌دیدگان پس از وقوع تصادف با دغدغه‌های مختلفی مواجه هستند، حذف کاغذبازی و امکان پیگیری غیرحضوری پرونده‌ها می‌تواند بخش قابل توجهی از مشکلات اداری آنان را برطرف کند. همچنین با مدیریت یکپارچه پرونده‌ها و تسریع در فرآیند ارزیابی، زمان پرداخت خسارت به حداقل می‌رسد و مردم می‌توانند بدون محدودیت مکانی و زمانی، به‌صورت شبانه‌روزی از خدمات بیمه‌ای بهره‌مند شوند.

وی در پایان گفت: از سوی دیگر، الکترونیکی‌شدن کامل فرآیندهای بیمه‌ای، زمینه افزایش شفافیت و نظارت‌پذیری در عملکرد شرکت‌های بیمه را فراهم می‌کند و با کاهش خطاهای انسانی و هزینه‌های اداری، بهره‌وری صنعت بیمه را ارتقا می‌دهد. در مجموع، حذف اسناد کاغذی خسارات خودرو مرتبط با بیمه شخص ثالث و بدنه اتومبیل را اقدامی مؤثر در مسیر تحول دیجیتال صنعت بیمه است که با محوریت قرار دادن رضایت مردم، به دنبال پایان‌دادن به بروکراسی‌های غیرضروری و ارائه خدمات سریع‌تر، آسان‌تر و شفاف‌تر است.

> **حمید بهزادی‌بخش، کارشناس صنعت بیمه: در شرایطی که زیان‌دیدگان پس از وقوع تصادف با دغدغه‌های مختلفی مواجه هستند، حذف کاغذبازی و امکان پیگیری غیرحضوری پرونده‌ها می‌تواند بخش قابل توجهی از مشکلات اداری آنان را برطرف کند. همچنین با مدیریت یکپارچه پرونده‌ها و تسریع در فرآیند ارزیابی، زمان پرداخت خسارت به حداقل می‌رسد**

گفت‌وگو
حسام کمالی

گفت‌وگوی «جوان» با جعفر قادری، عضو کمیسیون ویژه «جهش و رونق تولید» مجلس

حمل یکسره کالا جایگاه ترانزیتی کشور را ارتقا می‌دهد

عضو کمیسیون ویژه «جهش و رونق تولید و نظارت بر اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی» مجلس معتقد است با اجرای مصوبه حمل یکسره کالا از سوی گمرک، تقویت جایگاه ترانزیتی کشور محقق می‌شود، چراکه با کاهش زمان و هزینه توقف در مرزها، ایران به یک کریدور امن و سریع برای تجارت بین‌المللی تبدیل می‌شود. بنابراین، کشورهای منطقه به استفاده از مسیرهای زمینی و ریلی ترغیب می‌شوند که این امر درآمدهای ارزی قابل توجهی به همراه دارد.

در شرایط حساس کنونی که کشور درگیر جنگ اقتصادی و فشارهای تحریمی است، سرعت عمل و کارآمدی در مدیریت زنجیره تأمین کالا و نظام مالی، به یکی از ارکان اصلی حفظ ثبات بازار و تأمین معیشت مردم تبدیل شده است. سال‌ها اتکا به فرآیندهای سنتی و قوانین دست‌وپاگیر در گمرکات، موجب رسوب کالا، افزایش هزینه‌های انبارداری و در برخی موارد فساد محموله‌ها شده است. این در حالی است که در وضعیت جنگی، هرگونه کندی در ترخیص کالاهای اساسی می‌تواند به بحران‌های جدی منجر شود. بر همین اساس، حذف بروکراسی‌های عریض و طویل و روانسازی امور، یک ضرورت ملی است. در این میان، مصوبه اخیر هیئت وزیران به پیشنهاد وزارت اقتصاد مبنی بر «حمل یکسره کالا»، یک اقدام راهبردی و بسیار مؤثر است. این طرح با حذف مراحل زائد اداری، زمان ترخیص کالاها را به شدت کاهش داده و هزینه‌های مبادله را پایین می‌آورد. این مصوبه با هدف حذف مراحل زائد و کاهش زمان توقف کالا در گمرکات تدوین شده و سیاستگذار با اجرای آن دو هدف کلیدی را دنبال می‌کند: یکی هدفی داخلی و مرتبط با بازار مصرف، و دیگری هدفی بین‌المللی و مرتبط با جایگاه ایران در مسیرهای ترانزیتی.



حمیدرضا نیک‌عهد| جوان

نخستین و شاید مهم‌ترین اولویت در اجرای حمل یکسره کالا، خروج کالا از گمرکات کشور در کمتر از ۷۲ ساعت است. تا پیش از این، کالاها گاه چند ۱۰ روز در گمرک معطل می‌ماندند، اما با اجرای این طرح، زمان توقف به زیر سه روز کاهش می‌یابد. چنین تحولی در فرایند ترخیص، تفاوتی ملموس در چرخه تأمین و توزیع کالا ایجاد خواهد کرد.

این کاهش زمان، به‌ویژه در رساندن کالاهای مهم و مورد نیاز مردم به بازارهای مصرف اهمیت بسیار بالایی دارد. هرچه کالا سریع‌تر از گمرک خارج شود و به قفسه‌های فروشگاه‌ها برسد، احتمال بروز کمبود و نوسان قیمت کاهش می‌یابد. از این رو، حمل یکسره می‌تواند به ثبات بازار کمک کند و مصرف‌کنندگان را از پیامدهای تأخیر در تأمین کالا مصون بدارد.

از سوی دیگر، این مصوبه به پیش‌بینی‌پذیری اقتصاد کمک بزرگی خواهد کرد. وقتی زمان ترخیص و حمل کالا مشخص و کوتاه باشد، بازرگانان و تولیدکنندگان می‌توانند برنامه‌ریزی دقیق‌تری برای واردات، تأمین مواد اولیه و عرضه محصولات داشته باشند. کاهش عدم قطعیت در زنجیره تأمین، هزینه‌های پنهان فعالان اقتصادی را کم می‌کند و محیط کسب‌وکار را باثبات‌تر می‌سازد.

مزیت دوم و بُعد بین‌المللی مصوبه، تقویت جایگاه ایران در حوزه ترانزیت است. مسیر ایران با برخورداری از مزیت جغرافیایی بالا و با اجرای حمل یکسره کالا، به مسیری پرارزش‌افزوده تبدیل می‌شود؛ مسیری که هم هزینه ترانزیت را کاهش می‌دهد و همزمان رسیدن کالا به کشور مقصد را کوتاه‌تر می‌کند. این دو عامل برای صاحبان کالا و شرکت‌های حمل‌ونقل بین‌المللی در انتخاب مسیر، تعیین‌کننده است.

حذف مقررات بیجا و معطل‌کننده در مبادی ورودی و خروجی کشور نیز بخش مهمی از این تحول است. با اجرای حمل یکسره کالا موانعی که تاکنون از رقابت‌پذیری مسیرهای ایران می‌کاست برداشته می‌شود و مزیت و جایگاه ترانزیتی کشور به‌طور جدی افزایش می‌یابد. به این ترتیب، این مصوبه هم به نفع مصرف‌کنندگان داخلی است و هم درآمد و اعتبار ایران را در شبکه حمل‌ونقل منطقه‌ای و جهانی تقویت می‌کند.

در همین راستا جعفر قادری، عضو کمیسیون ویژه «جهش و رونق تولید و نظارت بر اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی» مجلس در گفت‌وگو با «جوان» تصریح کرد: در شرایط جنگی هستیم و باید تمامی روندها تسهیل شوند. کنار گذاشتن قوانین دست‌وپاگیر و بروکراسی‌های عریض و طویل در سرعت بخشیدن به کارها مؤثر است.

وی ادامه داد: در ابتدای جنگ شاهد بودیم که مصوباتی را در شعار داشتیم و باعث تسهیل واردات کالا به کشور شد. این اقدامات کمک‌کننده بودند و دسترسی عموم مردم به کالاهای اساسی را محقق کردند باید این روند ادامه پیدا کند.

قادری در تشریح مزیت‌های اقتصادی این طرح ادامه داد: مصوبه حمل یکسره کالا در راستای تسریع ترخیص کالاها مؤثر است و به تسهیل امور گمرکی کشور می‌انجامد که موضوع مثبتی است. به این ترتیب، زمینه برای کاهش هزینه‌های گمرکی مهیا می‌شود.

این نماینده مجلس خاطرنشان کرد: وقتی کالا مستقیماً از مرز به مقصد نهایی می‌رود و در انبارهای مرزی دپو نمی‌شود، هزینه‌های دموراژ، تخلیه و بارگیری مجدد و انبارداری به شدت کاهش می‌یابد. این صرفه‌جویی در نهایت می‌تواند به کاهش قیمت تمام‌شده کالا برای مصرف‌کننده منجر شود.

قادری گفت: از مزیت‌های حمل یکسره کالا می‌توان به دسترسی به موقع مردم به کالاهای اساسی اشاره کرد. در شرایطی که دشمن برای ایجاد کمبود کالا و فشار بر معیشت مردم تلاش می‌کند، تسریع در ورود محموله‌های غذایی و دارویی به بازار، امنیت روانی و غذایی جامعه را تضمین و از التهابات قیمتی جلوگیری می‌کند.

وی ادامه داد: بر اثر اجرای مصوبه حمل یکسره کالا از سوی گمرک، تقویت جایگاه ترانزیتی کشور محقق می‌شود، چراکه با کاهش زمان و هزینه توقف در مرزها، ایران به یک کریدور امن و سریع برای تجارت بین‌المللی تبدیل می‌شود. بنابراین، کشورهای منطقه به استفاده از مسیرهای زمینی و ریلی ترغیب می‌شوند که این امر درآمدهای ارزی قابل توجهی به همراه دارد.

عضو کمیسیون ویژه «جهش و رونق تولید و نظارت بر اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی» مجلس گفت: باید از مرزهای زمینی، دریایی و... با همه ظرفیت استفاده کنیم. در مرز بازرگان مشکلاتی را ترکیه ایجاد کرده است که باید با دیپلماسی حل شود. در مرز دوغارون مشکلات بیشتر از سمت ماست که باید برایش چاره‌اندیشی صورت بگیرد. مرز سرخس نیز بر اثر کندی کارها در ادارات ما مشکل بروز کرده است. برای رفع این موانع، هماهنگی بین دستگاه‌های داخلی و رایزنی‌های دیپلماتیک با کشورهای همسایه یک ضرورت انکارناپذیر است.

دیدگاه

احمد مرادی، عضو کمیسیون انرژی مجلس:

سازوکار تبصره ماده ۱۰۰ به دنبال گسترش عدالت در توزیع بار مالیاتی است

یک عضو کمیسیون انرژی مجلس معتقد است تبصره ماده ۱۰۰ را باید یکی از محورهای اصلی اصلاح نظام مالیاتی و ارتقای کیفیت حکمرانی اقتصادی دانست؛ سازوکار تبصره ماده ۱۰۰ و هوشمندسازی اخذ مالیات از مشاغل، همزمان به دنبال کاهش هزینه‌های تمکین برای مؤدیان، افزایش بهره‌وری سازمان امور مالیاتی و گسترش عدالت در توزیع بار مالیاتی است.

سازوکار تبصره ماده ۱۰۰ و هوشمندسازی اخذ مالیات از مشاغل، رویکردی تحولی در نظام مالیاتی کشور است که همزمان سه هدف مهم، یعنی کاهش هزینه‌های تمکین برای مؤدیان، افزایش بهره‌وری سازمان امور مالیاتی و گسترش عدالت در توزیع بار مالیاتی را دنبال می‌کند. این رویکرد تلاش می‌کند رابطه میان مؤدی و سازمان مالیاتی را از حالت سنتی و پرتنش به تعاملی ساده‌تر، شفاف‌تر و مبتنی بر اعتماد تبدیل کند. یکی از مهم‌ترین مزیت‌های این سازوکار، تسهیل انجام تکالیف مالیاتی برای صاحبان مشاغل است. مؤدیان با فرایندهای ساده‌تر و هوشمند می‌توانند وظایف خود را با صرف زمان و هزینه کمتری انجام دهند. افزون بر این، تقسیط بلندمدت مالیات، فشار نقدینگی را از دوش فعالان اقتصادی برمی‌دارد و اعمال مشوق‌ها و معافیت‌های قانونی نیز انگیزه آنان را برای پایبندی به قانون افزایش می‌دهد.

از منظر سازمان امور مالیاتی نیز این تحول فرصتی برای ارتقای بهره‌وری است. کاهش مداخلات غیرضروری و پرهیز از بررسی‌های پرتکرار درباره مؤدیانی که تکالیف خود را به‌درستی انجام می‌دهند، به سازمان امکان می‌دهد منابع و توان خود را بر شناسایی فراریان مالیاتی متمرکز کند. به این ترتیب، فشار اصلی نظارت بر کسانی وارد می‌شود که از پرداخت مالیات شانه خالی می‌کنند، نه بر مؤدیان پایبند. مشارکت اصناف در تعیین محل مصرف منابع حاصل از مالیات، بُعد تازه‌ای از شفافیت و اعتماد عمومی را به این طرح می‌افزاید. وقتی فعالان اقتصادی در تصمیم‌گیری درباره نحوه هزینه‌شدن مالیات‌ها سهیم باشند، انگیزه بیشتری برای مشارکت در نظام مالیاتی خواهند داشت. نتیجه این رویکرد، توزیع عادلانه‌تر بار مالیاتی و تقویت پیوند میان مردم و دولت خواهد بود. در همین راستا احمد مرادی عضو کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی در گفت‌وگو با «جوان» خاطرنشان کرد: در بخش اخذ مالیات از اصناف نیز تسهیل تکالیف مالیاتی موجی از رضایت ایجاد کرده است. سازوکار تبصره ماده ۱۰۰ قانون مالیات‌های مستقیم با حذف کاغذبازی، رسیدگی‌های حضوری و ممیزمحوری را پایان داده است. این عضو کمیسیون انرژی مجلس با اشاره به افزایش سقف بهره‌مندی از تبصره ماده ۱۰۰ قانون مالیات‌های مستقیم برای مشاغل با فروش سالانه تا ۷۲ میلیارد تومان، اظهار کرد که امکان تعیین مالیات قطعی به‌صورت مقطوع، بدون نیاز به تنظیم دفاتر پیچیده و با برخورداری از معافیت جرایم و شرایط پرداخت اقساطی، متناسب با وضعیت اقتصادی کشور، جلوه‌ای از مالیات‌ستانی هوشمند و تسهیل فرایند انجام تکالیف مالیاتی است، افزایش این سقف در سال پیش‌رو، دامنه شمول این طرح را گسترش داده و زمینه بهره‌مندی شمار بیشتری از صاحبان مشاغل از سازوکار ساده‌تر و عادلانه‌تر پرداخت مالیات را فراهم می‌کند. نماینده مردم هرمزگان در پایان تأکید کرد: برآورد مالیات صفر برای ۷۵ درصد مؤدیان و مالیات‌های خرد برای اکثریت کسبه نشان می‌دهد مالیات‌ستانی روی فرارهای مالیاتی دانه درشت‌ها و تقاطع‌گیری هوشمند تمرکز یافته است و دیگر اصناف آسیب‌پذیر زیر بار مالیاتی سنگین قرار نمی‌گیرند. وی در پایان گفت: تسهیل انجام تکالیف، تقسیط بلندمدت، اعمال مشوق‌ها و معافیت‌های قانونی، کاهش مداخلات غیرضروری، تمرکز بر شناسایی فراریان مالیاتی و مشارکت اصناف در تعیین محل مصرف منابع، مزیت‌های اصلی تبصره ماده ۱۰۰ است.

نگاه
هادی اسماعیلی

دولت فکری برای فقر مدیریت منابع کند

دولت که از حجم گسترده‌ای از زمین، املاک، ساختمان‌ها، شرکت‌ها و سایر دارایی‌های اقتصادی برخوردار است، همچنان برای تأمین هزینه‌های جاری، تکمیل طرح‌های عمرانی و جبران کسری بودجه با محدودیت منابع دست‌وپنجه نرم می‌کند، برآورد مطرح‌شده مبنی بر وجود حدود ۷ هزار همت دارایی غیرمولد در اختیار دولت در سال ۱۳۹۹، ابعاد قابل تأملی از این تناقض را آشکار می‌کند که در مقایسه با بودجه ۶ هزار و ۲۰۰ همتی سال جاری، حتی با لحاظ تفاوت سال پایه و ارزش اسمی ارقام، مقیاسی بزرگ از ثروت عمومی را پیش چشم سیاستگذار قرار می‌دهد که بخش قابل ملاحظه‌ای از ظرفیت اقتصادی آن در چرخه تولید، سرمایه‌گذاری و خلق ارزش جریان ندارد.

مسئله اصلی اقتصاد ضعف در شناسایی، سازمان‌دهی و بهره‌برداری از منابع موجود است، زیرا دستگاه اجرایی طی به انباشت اموال و دارایی‌هایی عادت کرده که مالکیت آنها در ساختار اداری تثبیت شده، اما مسئولیت اقتصادی دقیقی برای مدیریت بازدهی آنها تعریف نشده است، در چنین الگویی، زمین دولتی به‌جای آنکه به ظرفیت توسعه صنعتی، مسکن یا خدمات عمومی تبدیل شود، در چرخه مکاتبات اداری و اختلاف میان دستگاه‌ها باقی می‌ماند و ساختمان بلااستفاده نیز به‌جای ایجاد جریان درآمدی، هزینه نگهداری، استهلاک و فرصت ازدست‌رفته را به بودجه تحمیل می‌کند، حاصل این رویکرد شکل‌گیری نوعی ثروت منجمد در بدنه دولت است که ارزش دفتری یا معاملاتی دارد، اما سهم آن در تولید ناخالص داخلی، اشتغال و درآمد پایدار عمومی ناچیز باقی می‌ماند. مولدسازی دارایی‌های دولت دقیقاً در نقطه مقابل این رویکرد قرار می‌گیرد، زیرا هدف آن فروش شتاب‌زده اموال عمومی یا تبدیل دارایی‌های دولتی به درآمدی مقطعی برای پوشاندن کسری بودجه نیست، بلکه باید با ارزیابی اقتصادی هر دارایی، امکان بهره‌برداری مؤثر از آن در قالب اجاره، مشارکت با بخش خصوصی، تغییر کاربری قانونی، واگذاری رقابتی یا سرمایه‌گذاری مستقیم بررسی شود.

یکی از ضعف‌های جدی سیاستگذاری اقتصادی در این حوزه، غلبه نگاه حسابداری بر نگاه اقتصادی است، به این معنا که دستگاه‌های اجرایی معمولاً مالکیت یک ملک یا زمین را به‌عنوان بخشی از دارایی سازمانی خود تلقی می‌کنند، بی‌آنکه هزینه فرصت نگهداری آن را در محاسبات مدیریتی وارد کنند، حال آنکه هر دارایی بلااستفاده علاوه بر هزینه‌های مستقیم نگهداری و استهلاک، بازده اقتصادی قابل حصولی را نیز از اقتصاد سلب می‌کند، در نتیجه، مدیری که زمین ارزشمندی را بدون برنامه در اختیار دارد، عملاً هیچ فشار نهادی برای فعالسازی آن احساس نمی‌کند و حتی ممکن است حفظ وضع موجود را کم‌هزینه‌تر از ورود به فرآیند مولدسازی بداند، زیرا منافع حاصل از بهره‌برداری اقتصادی معمولاً در حساب عملکرد همان مدیر ثبت نمی‌شود، اما مسئولیت هرگونه خطای احتمالی در قیمت‌گذاری، واگذاری یا تغییر کاربری مستقیماً متوجه او خواهد شد.

همین ساختار انگیزشی معیوب، یکی از ریشه‌های اصلی مقاومت دستگاه‌های اجرایی در برابر مولدسازی است، چنان‌که ترس مدیران از پیامدهای تصمیم‌گیری و فقدان نظام تشویقی مشخص از موانع اجرای این سیاست معرفی شده است که برای فعالسازی یک ملک دولتی اقدام می‌کند، با مجموعه‌ای از نگرانی‌های حقوقی، نظارتی و اداری مواجه می‌شود و در صورت بروز اختلاف بر سر قیمت‌گذاری یا تشریفات واگذاری، احتمال دارد سال‌ها درگیر پاسخگویی به نهادهای مختلف شود، در مقابل، مدیری که هیچ اقدامی انجام نمی‌دهد، معمولاً هزینه مشخصی بابت تداوم بلااستفاده ماندن دارایی متحمل نمی‌شود، چنین وضعیتی عقلانیت اداری را به سمت انفعال سوق می‌دهد و به‌تدریج نوعی محافظه‌کاری ساختاری در دستگاه‌های دولتی شکل می‌گیرد که در آن حفظ دارایی راکد، از به جریان انداختن آن کم‌ریسک‌تر تلقی می‌شود.



البته رفع این مانع با اعطای مصونیت‌های گسترده یا کاهش نظارت بر معاملات اموال عمومی امکان‌پذیر نیست، زیرا دارایی‌های مورد بحث متعلق به عموم مردم هستند و هرگونه واگذاری غیراصولی، قیمت‌گذاری غیرواقعی یا انتقال آنها به اشخاص خاص، مستقیماً به تضییع حقوق عمومی منجر خواهد شد، راهکار منطقی، طراحی نظامی از حمایت حقوقی مبتنی بر شفافیت فرآیند، کارشناسی مستقل، رقابت واقعی و ثبت عمومی اطلاعات معاملات است، به‌گونه‌ای که مدیر در صورت رعایت ضوابط و مستندات قانونی، بابت تصمیم اقتصادی متعارف خود با نگرانی‌های نامتناسب مواجه نشود و در مقابل، هرگونه تبانی، تعارض منافع یا انحراف از قیمت کارشناسی نیز با ضمانت اجرای دقیق روبه‌رو شود، حمایت از مدیر مولدساز باید به معنای حمایت از تصمیم حرفه‌ای و پاسخگو باشد، نه ایجاد حاشیه امن برای واگذاری‌های غیرشفاف. ضعف دیگر به پراکندگی مقررات و ناپایداری سازوکار اجرایی مولدسازی بازمی‌گردد، ورود این موضوع به ادبیات بودجه‌ای از سال ۱۳۹۶ و تلاش‌های بعدی برای ایجاد چارچوب قانونی، هنوز به شکل‌گیری یک نظام یکپارچه و پایدار برای مدیریت دارایی‌های عمومی منجر نشده است، حتی تصویب آیین‌نامه مرتبط در ۲۴ اسفند ۱۴۰۱ نیز به‌تنهایی نتوانست تمام موانع اجرایی را برطرف کند، زیرا مولدسازی به مجموعه‌ای از قواعد دقیق در حوزه ثبت دارایی‌ها، تعیین ارزش اقتصادی، تشخیص قابلیت بهره‌برداری، فرآیند واگذاری، نظارت پس از معامله و نحوه تخصیص منابع حاصل نیاز دارد، احکام پراکنده قانونی، از جمله ظرفیت‌های پیش‌بینی‌شده در مواد ۳۱ و ۳۶ قانون تأمین مالی تولید و زیرساخت‌ها، زمانی اثرگذاری لازم را پیدا می‌کنند که در قالب یک نظام منسجم و قابل اجرا به یکدیگر متصل شوند، در غیر این صورت تعدد مقررات و برداشت‌های متفاوت دستگاه‌ها، هزینه مبادله را افزایش می‌دهد و انگیزه مشارکت بخش خصوصی را کاهش می‌دهد.

نکته اساسی آن است که درآمد حاصل از مولدسازی نباید به منبعی برای تأمین هزینه‌های روزمره و گسترش تعهدات جاری دولت تبدیل شود، زیرا فروش یک دارایی عمومی برای پرداخت حقوق، هزینه‌های اداری یا جبران کسری‌های تکرارشونده، در عمل تبدیل ثروت بین‌نسلی به مصرف کوتاه‌مدت است، چنین رویکردی ممکن است در مقطع کوتاه بخشی از فشار مالی را کاهش دهد، اما با پایان یافتن دارایی‌های قابل واگذاری، دولت با همان مشکلات قبلی و منابع کمتر مواجه خواهد شد، جهت‌گیری اقتصادی مولدسازی باید به سمت سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های عمومی، تکمیل طرح‌های نیمه‌تمام دارای توجیه اقتصادی، توسعه زیرساخت‌های تولیدی و تقویت سرمایه‌گذاری بخش خصوصی هدایت شود تا دارایی غیرمولد به سرمایه‌ای تبدیل شود که در سال‌های آینده نیز بازدهی اقتصادی و اجتماعی ایجاد کند.

به هر روی برای عبور از محدودیت‌های مالی به تغییر نگرش دولت نسبت به ثروت تحت مالکیت خود احتیاج است که دارایی را صرفاً در ترازنامه ثبت می‌کند و مسئولیتی برای بازدهی اقتصادی آن نمی‌پذیرد، ناگزیر با انباشت سرمایه‌های راکد و افزایش هزینه‌های اداره آنها مواجه خواهد شد، در مقابل، مدیریت حرفه‌ای دارایی‌های عمومی مستلزم آن است که هر زمین، ساختمان، شرکت و ملک دولتی بر مبنای کارکرد اقتصادی، ضرورت حاکمیتی و ظرفیت ایجاد ارزش ارزیابی شود.